



از منظر مفسران اهل سنت؛ بررسی دلالت آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت (ع)

اقدامات و اظهارات غیر عالمانه و غیر عاقلانه برخی از بزرگان اهل سنت و نیز شیعه که موجب اختلاف و انشقاق در امت اسلامی شده است، نگارنده را واداشت تا با بهره گیری از معتبرترین تفاسیر اهل سنت و نظرات علمای مقبول در جامعه علمی اهل سنت، نگاهی دوباره به تفسیر آیه تطهیر بپردازد.

اقدامات و اظهارات غیر عالمانه و غیر عاقلانه برخی از بزرگان اهل سنت و نیز شیعه که موجب اختلاف و انشقاق در امت اسلامی شده است، نگارنده را واداشت تا با بهره گیری از معتبرترین تفاسیر اهل سنت و نظرات علمای مقبول در جامعه علمی اهل سنت، نگاهی دوباره به تفسیر آیه تطهیر بپردازد.

شیعه با استناد به دلایل عقلی و نقلی متعددی معتقد است که اهل بیت رسول خدا (ص) دارای عصمت از گناه و خطا هستند؛ یکی از دلایل مشهور در اثبات این مدعا، آیه 33 سوره مبارکه احزاب است که به نام آیه تطهیر شناخته می‌شود. اثبات عصمت برای اهل بیت (ع) نقش زیادی در اثبات حق ولایت و خلافت برای خاندان رسول الله (ص) دارد.

عصمت رسول خدا (ص) و نیز اهل بیت ایشان، یکی از مهم‌ترین بحث‌های بین مذاهب اسلامی است که بیشتر در علم کلام مطرح و مورد مناقشه و بحث قرار می‌گیرد. یکی از ادله مربوط به این بحث که از سوی معتقدان به عصمت رسول الله (ص) و نیز اهل بیت ایشان، اقامه می‌شود آیه 33 سوره مبارکه احزاب است. دلیل اهمیت فوق العاده این بحث به این دلیل است که، با اثبات عصمت اهل بیت رسول خدا (ص) ما ناگزیر باید قائل شویم به این‌که خلافت و جانشینی رسول الله (ص) فقط می‌تواند در اختیار اهل بیت ایشان باشد. بنابر این در طول تاریخ بسیاری سعی کرده‌اند اصل عصمت اهل بیت (ع) و نیز دلالت این آیه شریفه را انکار و یا تحریف کنند.

خداوند متعال در این آیه چنین می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» [1]

محل استشهاد، بخش آخر آیه شریفه است که می‌فرماید: «همانا خداوند اراده فرموده است که از شما اهل بیت، پلیدی را ببرد و شما را بسیار پاکیزه گرداند.»

ما بحث را در سه محور ارائه خواهیم داد؛

- 1- شأن نزول آیه تطهیر از منظر تفاسیر معتبر اهل سنت
- 2- تفسیر معنای رجس و تطهیر از منظر مفسران اهل سنت
- 3- مصادیق اهل بیت در این آیه، طبق تفاسیر اهل سنت

در نگارش این نوشتار، سعی بر آن شده است که از بین تفاسیر اهل سنت، تفاسیری که مورد توجه عموم اهل سنت بوده و از اعتبار والایی نزد آنها برخوردار است، مورد استشهاد و استناد قرار بگیرد و از نقل و طرح اقوال ضعیف و دور از آبادی اجتناب شود. لازم به تذکر است که تفاسیر مربوط به این آیه، غالباً بر مبنای روایات هست. در نتیجه ما به کتب روایی معتبر اهل سنت مانند صحیح مسلم، صحیح بخاری، مسند احمد بن حنبل و... نیز ارجاع خواهیم داد.

شأن نزول آیه تطهیر

تمام مفسرانی که در کتب خود به بحث شأن نزول آیات پرداخته‌اند، بدون هیچ اختلاف نظری داستان نزول آیه شریفه تطهیر را چنین نقل می‌کنند که: «ام سلمه نقل می‌کند: پیامبر اکرم (ص) در خانه من بود؛ فاطمه (س) غذایی در ظرفی که از سنگ بود پیش آورد... پیامبر (ص) فرمود: شوهر و فرزندان را هم بیاور تا با هم این غذا را تناول نمایم. پس از آمدن آنها، سفره گسترده شد، غذا را خوردند؛ نبی اکرم (ص) روی پارچه خیری نشسته و من در گوشه‌ای نماز می‌خواندم. در همین احوال آیه تطهیر نازل شد. پیامبر (ص) پس از نزول آیه، همان پارچه خیری را بر روی عزیزان خود کشید و خود هم در زیر پارچه قرار گرفت و دست‌ها را به سوی آسمان گرفته و عرضه داشت: بار خدایا! اهل بیت و ویژگیان زده من این چهار تن‌اند؛ پروردگارا هر پلیدی را از اینان دور و هر چه بهتر پاک نهادشان فرما! ام سلمه گوید: در حین دعای پیامبر (ص)، سرم را نزدیک آوردم و گفتم: آیا من هم مشمول این دعا و موهبت هستم؟ رسول خدا (ص) فرمود: نه، لیکن تو پایان خوشی داری.» [2]

برخی با توجه به اینکه ابتدا و انتهای آیات درباره زنان پیامبر خدا (ص) است، گمان کرده‌اند که شأن نزول این آیه نیز همسران نبی اکرم (ص) است. [3] ولی با وجود روایات بسیار و نیز تصریح تمام مفسران بر شأن نزول این آیه، به نظر می‌رسد این ادعا تنها اجتهادی بی دلیل در برابر نص باشد که هیچ اعتباری ندارد.

در برخی از روایات نیز جریان نزول این آیه این گونه نقل شده است که: «عایشه نقل می‌کند که: روزی رسول خدا (ص) ردایی سیاه از موی شتر بر دوش داشت. حسن آمد، پس رسول خدا (ص) او را داخل کرد به زیر عبایش. سپس حسین آمد و رسول خدا (ص) او را نیز داخل کرد در زیر عبایش. سپس فاطمه آمد و رسول الله (ص) او را نیز داخل کرد در زیر عبایش. سپس علی آمد و او را نیز داخل کرد در زیر عبایش. سپس رسول خدا (ص) فرمود: «اللهم هؤلاء أهل بیتی، فأذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیراً؛ خدایا اینان اهل بیت من هستند، پس ناپاکی و پلیدی را از آنان دور کن و آنان را پاکیزه گردان!» پس من (عایشه) نزدیک آنها شدم و گفتم: یا رسول الله (ص) آیا من از اهل بیت شما هستم؟ رسول خدا (ص) فرمودند: کنار برو! تو بر خیر هستی.» [4]

نتیجه سخن اینکه با وجود بیش از ده‌ها روایت در کتب تفسیری و روایی اهل سنت که ما فقط به تعداد محدودی از آنها اشاره کردیم، می‌توان مطمئن شد که شأن نزول این آیه شریفه، داستانی است که مربوط به رفتار خاص پیامبر خدا (ص) با علی (ع) و فاطمه (س) و

حسن(ع) و حسین(ع) است. نمی توان با استفاده از سیاق آیه گفت شأن نزول آیه، زنان پیامبر(ص) هستند. همان طور که در روایت دوم از عایشه، تصریح بر این مطلب دیده می شود.

تفسیر معنای رجس و تطهیر

رجس در لغت عربی به معنای مطلق آلودگی آمده است. هر چیز کثیف و ناپسندی را رجس می گویند که هم شامل پلیدی های ظاهری می شود و هم شامل پلیدی های باطنی و اخلاقی و روحی نیز می شود.[5]

در یک تقسیم بندی کلی می توان گفت که واژه «رجس» در قرآن کریم به دو معنا استعمال شده است:

(1) به معنای پلیدی و آلودگی های ظاهری.[6] مانند آیه 145 سوره انعام: «...إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِيتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خَنزِيرٍ فَإِنَّهُ رَجَسٌ أَوْ فِسْقًا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ...»

(2) به معنای آلودگی معنوی مانند شرک و کفر و آثار گناه و کردارهای بد.[7] مانند آیه 125 سوره توبه «وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَ مَاتُوا وَ هُمْ كَافِرُونَ.» در این آیه رجس به معنای پلیدی درونی و یا گمراهی و ضلالت آمده است.

با بررسی معانی لغوی و نیز استعمال های مختلف قرآن، به این نتیجه می توان رسید که کلمه «رجس» به معنای مطلق پلیدی و آلودگی، اعم از ظاهری و باطنی است و بر حسب استعمال و سیاق کلام، می توان عمومیت یا تخصیص آن را تشخیص داد.

در آیه مورد بحث ما، با توجه به سیاق آیات و نیز متعلق آیه که همان اهل بیت(ع) هستند، نمی توان رجس را به معنای خاص آن، یعنی پلیدی های ظاهری معنا کرد. در نتیجه باید در تفسیر رجس در این آیه گفت که منظور تمام پلیدی ها، آلودگی های ظاهری و باطنی، ضلالت و گمراهی در هر درجه آن و... را شامل می شود.

با توجه به این مفهوم عام که واژه رجس دارد، باید تطهیر را نیز چنین عام معنا کرد. در این آیه شریفه تطهیر با مفعول مطلق(یَطْهَرُکُمْ تطهیراً) آمده است. علاوه بر آوردن مفعول مطلق، استفاده از ادات حصر نیز مفید قطعیت و اهمیت مطلب است. از این همه تاکید و تکرار در سیاق این آیه، می توان فهمید که متعلق تطهیر نمی تواند آلودگی های ظاهری باشد.

نکته مهم دیگر این است که بر خلاف نظر برخی از مفسران، در این آیه اراده مربوط به امر و نهی های قبلی که در آیه مذکور است نبوده و به عبارت دیگر این تطهیر امری اکتسابی نیست؛ چون فاعل تطهیر و اراده کننده تطهیر در این آیه، خود خداوند است که اراده کرده است که و اراده خدا نیز در قرآن به صورت امری محقق شده حتمی و قطعی تعریف شده است. آنجا که فرموده است: «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.»[8]

پس می توان به عنوان نتیجه این بخش گفت که: مراد از تطهیر اهل بیت از رجس در آیه شریفه، پاک کردن آنها از مطلق بدی ها و پلیدی ها توسط خداوند متعال است.

مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر

بعد از بحث درباره شأن نزول آیه تطهیر و نیز تبیین معنای رجس و تطهیر و همچنین اراده الهی، اکنون سوال اینجاست که این اهل بیت که خداوند متعال اراده قطعی و محقق شده درباره تطهیر آنها را کرده است، چه کسانی اند؟

جواب به این سوال در خیلی از حیطه های اندیشه اسلامی می تواند تأثیرگذار باشد. شناخت کسانی که خداوند شخصاً اراده تطهیر باطن و ظاهر و قلب و ذهن و رفتار آنها را کرده است، ما را با مرجع و منبع مورد اطمینانی برای اخذ دین خدا آشنا می کند. مطمئناً بهترین شخص برای حکومت بر جامعه اسلامی، کسانی هستند که قلب و ذهن آنها الهی محض است و هیچ احتمال خطا و گمراهی از آنها نمی رود و بسیاری نتایج دیگر در حیطه علم تفسیر، حدیث، فقه، سیاست، کلام و... .

درباره مصادیق «اهل بیت» در آیه تطهیر بین مفسران اهل سنت سه قول وجود دارد:

1- اهل بیت، رسول خدا(ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند.

2- اهل بیت، زنان پیامبر(ص) هستند.

3- اهل بیت، تمام زنان پیامبر(ص) و آل علی، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس هستند.

درباره صحت و اتقان این نظریات در بین علما و مفسران و محدثان اهل سنت اختلاف وجود دارد. ولی بسیاری از علماء با توجه به روایات معتبر و متعدد و نیز سیاق آیه و سیره منقول از رسول الله(ص) در اظهار مصداق اهل بیت، معتقد شده اند که تنها قول متقن و مورد پذیرش قول اول است.

برای اثبات این مدعا دو نوع ادله در کتب تفسیری ذکر شده است: روایات و سیاق آیه. ابتدا به ذکر برخی از روایات مرتبط و سپس به بحث سیاق آیه شریفه می پردازیم.

روایت اول: قال الإمام أحمد[9]: حدثنا عفان، حدثنا حماد، أخبرنا علي بن زيد عن أنس بن مالك رضي الله عنه قال: «إن رسول الله صلى الله عليه و سلم كان يَمُرُّ بباب فاطمة رضي الله عنها ستة أشهر إذا خرج إلى صلاة الفجر يقول: الصلاة يا أهل البيت، إنما يُريدُ الله ليذهبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تطهیراً؛ أنس بن مالك نقل می کند که: رسول الله(ص) تا شش ماه هر روز صبح وقتی برای نماز صبح می رفت، جلوی درب خانه فاطمه زهرا(س) می گفت: نماز، ای اهل بیت! همانا خداوند اراده فرموده است که پلیدی را از شما اهل بیت بردارد و شما را حقیقتاً پاکیزه گرداند.»

همین روایت را ترمذی با سندی متفاوت نقل می کند.[10]

روایت دوم: قال الإمام أحمد[11]: حدثنا محمد بن مصعب، حدثنا الأوزاعي، حدثنا شداد أبو عمار قال: دخلتُ على وائلة بن الأسقع رضي الله عنه و عنده قومٌ، فذكروا علياً رضي الله عنه فشمّوه، فشمّهم معهم، فلما قاموا قال لي: شمتت هذا الرجل؟ قلت: قد شمتوه فشمّته معه قال: ألا أخبركم بما رأيْتُ من رسول الله(ص)؟ قلت: بلى. قال: أتيتُ فاطمة رضي الله عنها أسألها عن علي رضي الله عنه فقالت: توجهتُ إلى رسول الله(ص) فجلستُ أنتظره حتى جاء رسول الله(ص) و معه عليٌّ و حسنٌ و حسينٌ رضي الله عنهم أخذ كل واحدٍ مِنْهُمَا بيده حتى

دخل فادنى علياً و فاطمة رضى الله عنهما و اجلسهما بين يديه و اجلس حسنا و حسيناً رضى الله عنهما كل واحد منها على فخذ، ثم لف عليهم ثوبه أو قال كساءه، ثم تلا صلى الله عليه و سلم هذه الآية: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً» و قال: «اللهم هؤلاء أهل بيتى و أهل بيتى أحق»

ترجمه: «ابوعمار نقل می کند که آمدم پیش واثله بن الأسقع، نزد وی عده ای از مردم بودند. نام علی به میان آمد و آن قوم او را لعن کردند، من نیز همراه با آنها علی را لعن کردم. هنگامیکه آن قوم از نزد او رفتند، به من گفت: آیا این مرد(علی) را لعن کردی؟! گفتم: آنها او را شتم کردند من نیز همراه آنها شتم کردم. واثله گفت: آیا به تو خبر ندهم از چیزی که خودم از رسول الله(ص) دیدم؟ گفتم: چرا بگو. گفت: نزد فاطمه(س) رفتم و سراغ علی(ع) را از او گرفتم. گفت: پیش رسول خدا(ص) رفته است. پس نشستم و منتظر علی(ع) ماندم. تا اینکه رسول الله(ص) آمد و همراه او علی(ع) بود و دست هر یک از حسن و حسین را نیز گرفته بود. پس رسول الله(ص) علی(ع) و فاطمه(ع) را نزدیک هم کرد و آنها را روبروی خود نشانده و حسن(ع) و حسین(ع) را بر روی پاهای خود نشانده. سپس لباس خود یا عبایش را بر روی آنها انداخت و سپس این آیه را تلاوت کرد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً» و گفت: خدایا اینها اهل بیت من هستند و اهل بیت من سزاوار ترند.» همین روایت را طبری نیز با سند دیگری هم نقل می کند.[12]

روایت سوم: قال ابن جریر[13]: حدثنا أبو کریب، حدثنا مصعب بن المقداد، حدثنا سعید بن زری عن محمد بن سیرین عن أبي هريرة عن أم سلمة رضى الله عنها قالت: جاءت فاطمة رضى الله عنها إلى رسول الله(ص) بَرمَةً لها قد صَنَعَتْ فِيهَا عَصِيدَةً، تَحْمِلُهَا عَلَى طَبَقٍ، فَوَضَعَتْهَا بَيْنَ يَدَيْهِ صلى الله عليه و سلم فقال(ص): «أَيْنَ ابْنُ عَمِّكَ وَ ابْنَاكَ؟» فقالت(س) فى البيت، فقال صلى الله عليه و سلم: «ادعِيهم» فجاءت إلى على رضى الله عنه فقالت: أجب رسول الله صلى الله عليه و سلم أنت و ابناك. قالت أم سلمة رضى الله عنها: فلما رَأَهُمْ مَقْبِلِينَ مَدَّ صلى الله عليه و سلم يده إلى كساءٍ كان على النمامة، فَمَدَّهُ وَ بَسَطَهُ وَ أَجْلَسَهُمْ عَلَيْهِ ثُمَّ أَخَذَ بِأَطْرَافِ الْكِسَاءِ الْأَرْبَعَةِ بِشِمَالِهِ، فَضَمَّهُ فَوْقَ رُؤُوسِهِمْ وَ أَوْماً بِيَدِهِ الْيَمْنَى إِلَى رِجِّهِ فَقَالَ «اللهم هؤلاء أهل بيتى، فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً! أم سلمة نقل می کند: روزی فاطمه(س) در حالی که ظرف سنگی که در آن آش می پختند را بر روی طبقی می آورد، پیش رسول الله(ص) آمد و آن طبق را جلوی پیامبر(ص) گذاشت. پیامبر(ص) گفت: پسر عمویت و فرزندان کجا هستند؟ فاطمه(س) گفت: در خانه هستند. رسول خدا(ص) گفت: آنها را صدا بزن. پس فاطمه(س) به سوی علی رفت و گفت: تو و پسرانت به محضر رسول خدا(ص) بروید.

أم سلمة می گوید: وقتی رسول خدا(ص) آنها را دید که به سویش می آیند، دستش را دراز کرد و لحافى را که در خوابگاهش بود، پهن کرد و آنها را وسط آن نشانده و چهار گوشه لحاف را با دست چپ گرفت و آن را بر سر آنها کشید و با دست راست خود به سوی پروردگار اشاره کرد و فرمود: خدای من، اینان اهل بیت من هستند، پس پلیدی را از آنها دور کن و آنها را حقیقتاً پاکیزه گردان.»

روایت چهارم: قال أبو سعید الخدری[14]: هو (اهل بیت) خاص رسول الله و على و فاطمة و الحسن و الحسين و روى نحوه عن أنس و عائشة و أم سلمة؛ أبوسعید خدری می گوید: «اهل بیت در این آیه(إنما يريد الله...) مخصوص به رسول خدا(ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام است.» مانند این مطلب را از أنس و عائشه و أم سلمة نیز نقل کرده اند.

روایت پنجم: قال ابن جریر[15]: حدثنا ابن المثنى، حدثنا بكر بن يحيى بن زبان العنزى، حدثنا مندل عن الأعمش عن عطية عن أبي سعيد رضى الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: «نزلت هذه الآية فى خمسة: فى و فى على و حسن و حسين و فاطمة. إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً؛ از أبی سعید نقل شده است که رسول الله(ص) فرمودند: این آیه(آیه 33 سوره احزاب) درباره من و علی و حسن و حسین و فاطمه نازل شده است.»

روایت ششم: أخرج ابن جرير و ابن مردويه عن أبي الحمراء قال: رابطة المدينة سبعة أشهر على عهد رسول الله صلى الله عليه و سلم، قال: رأيت رسول الله صلى الله عليه و سلم إذا طلع الفجر جاء إلى باب عليّ و فاطمة فقال: «الصلاة الصلاة إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً؛ از أبی الحمراء نقل شده است که گفته است: در زمان رسول خدا(ص) هفت ماه به مدینه رفتم و دیدم که رسول خدا(ص) در زمان طلوع فجر به دم در علی و فاطمه آمد و گفت: نماز، نماز «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً»[16]

با توجه به روایات متعدد و کیفیت قضایای نقل شده، به نظر می رسد که رسول الله(ص) در زمان ها و مکان های متعدد و متفاوت، ولی به یک سیاق سعی در اظهار و ابراز این مطلب بودند که مصداق "اهل بیت" مذکور در آیه تطهیر، علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند.

باید اشاره کرد که در منابع اهل سنت روایت های بسیار زیادی در اثبات این مدعا وجود دارد که حاکم حسکانی[17] در کتاب "شواهد التنزيل" بیش از 170 روایت را نقل می کند که غالباً دارای سندهای معتبری هستند. ما اینجا فقط به ذکر راویان اصلی و نیز تعداد روایت های آن شخص اشاره می کنیم:

- 1- روایت انس بن مالک انصاری، به 8 طریق
- 2- روایت براء بن عازب انصاری، به 2 طریق
- 3- روایت جابر بن عبدالله انصاری، به 2 طریق
- 4- روایت حسن بن الزهراء البتول علیهما السلام، به 5 طریق
- 5- روایت سعد بن ابی وقاص زهری، به 3 طریق
- 6- روایت ابوسعید سعد بن مالک خدری، به 12 طریق

7 - روایت عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب هاشمی، به 3 طریق

8 - روایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، به 1 طریق

9 - روایت عبدالله بن جعفر طیار (رض) از پدرش به 3 طریق

10 - روایت ام المؤمنین عایشه، به 10 طریق

11 - روایت واثله بن اسقع لیثی، به 8 طریق

12 - روایت ابی الحمراء هلال بن الحارث خادم النبی (ص) به 10 طریق

13 - روایت فاطمة الزهراء بنت المصطفی (ص) به 2 طریق

14 - روایت ام المؤمنین ام سلمه (هند دختر سهیل) به 69 طریق، یعنی حدود شصت نه نفر جداگانه، این حدیث را از ام سلمه نقل کرده‌اند.

با توجه به تمام روایات بالا می توان گفت که رسول خدا (ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام قطعا از مصادیق اهل بیت هستند. ولی برای داخل کردن افراد دیگر در این مجموعه، نیازمند دلیل معتبر هستیم. وقتی به تفاسیر اهل سنت مراجعه می کنیم، می بینیم ادله ای که برای ادخال افرادی غیر از پنج تن (ع) آورده اند، بیشتر متکی بر برداشت های شخصی و اجتهاد های بدون دلیل است. [18]

نکته مهم دیگر که می تواند به عنوان دلیلی محکم بر اشتباه و تعصبی قضاوت کردن چنین مفسرانی باشد، این است که به اعتراف بزرگانی از زنان رسول خدا (ص) مانند ام المومنین ام سلمه و ام المومنین عایشه و مفسرانی دیگر، اهل بیت فقط پنج تن علیهم السلام هستند و شامل زنان پیامبر (ص) نمی شود. [19] حال بسی جای تعجب است که برخی با چشم فرو بستن بر این همه دلیل آشکار، مدعی اند که منظور از اهل بیت، در آیه شریفه، همان زنان پیامبر هستند!

باید اذعان کنیم که برخی از مفسران نیز روایت های متعددی را در اثبات مدعای شمولیت آیه تطهیر بر زنان پیامبر (ص) آورده اند؛ ولی با تأمل در سند و متن این روایت ها، به این نکته جالب بر می خوریم که راویان بسیاری از این روایات اشخاصی همچون عکرمه، مقاتل و عروه هستند که همگی به دشمنی و خصومت با اهل بیت به ویژه شخص حضرت علی (ع) معروفند. در پاره ای موارد، روایتی نیز از ابن عباس نقل شده است؛ اما تردیدی نیست که چنین نسبت هایی از سوی افرادی مانند عکرمه، غلام ابن عباس انجام گرفته است تا از این طریق بتوانند برای ادعای دروغین و ساختگی خویش در بین مردم مقبولیتی دست و پا کنند. در تاریخ نقل است که فرزند ابن عباس، عکرمه را که غلام پدرش بود، حبس و زندانی می کرد؛ چون بر ابن عباس بسیار دروغ می بست و روایت های جعلی را به وی منتسب می کرد. [20]

علاوه بر اینکه در کتب تفسیر و حدیث اهل سنت، روایات متعددی از ابن عباس نقل شده که به اختصاص آیه تطهیر بر پنج تن (ع) دلالت دارد. به عنوان نمونه: روایت هفتم از کتاب "غایة المرام" که احمد بن حنبل با سند خود از ابن عباس نقل کرده است. همچنین حاکم حسکانی در "شواهد التنزیل" در روایات شماره 673 الی 675 از ابن عباس آورده که وی آیه را مخصوص به پنج تن آل عبا می داند.

دلیل دوم برای اثبات نظر ما، سیاق آیه است. از ابتدا تا انتهای آیه تمام آن بخش هایی که مربوط به زنان پیامبر (ص) هست، با ضمائر موث آورده شده است. مانند «بِیُوتِکُمْ... وَ لَا تَبْرَحْنَ... وَ أَقِمْنَ... أَطِغْنَ...» ولی بخش انتهایی آیه که مربوط به اهل بیت است، با ضمائر مذکر آمده است؛ مانند: «...عَنکُمْ... یُطَهَّرُکُمْ...» از این تغییر سیاق آیه می توان چنین استفاده کرد که این جمله، به عنوان جمله ای معترضه است که ربطی به ماقبل و مابعد خود ندارد و به خودی خود، در پی رساندن مطلبی مهم است. البته باید توجه داشت که این سبک سخن گفتن، در برخی از مواضع قرآن کریم سابقه دارد. مانند: آیه 28 و 29 سوره یوسف که مخاطب زلیخا است، ولی در بین این دو آیه، یک خطاب به حضرت یوسف می شود.

بسیار واضح تر از مثال فوق، آیه 3 سوره مائده است که اکمال دین را در بین بحث از حرمت میته و دم و خنزیر آورده است که به هیچ وجه نمی توان نسبتی بین این دو مطلب پیدا کرد. پس می توان گفت که: بخش انتهایی آیه 33 سوره احزاب از لحاظ سیاق و موضوع بحث و مصداق، با ماقبل و ما بعد خود متفاوت بوده و نمی توان زنان پیامبر (ص) را نیز جزو مصادیق اهل بیت دانست. علاوه بر این که از خود همسران پیامبر (ص) روایت هایی نقل شد که صراحتاً این شمول را نفی کرده اند.

نتیجه گیری

با توجه به تمام مباحث مطرح شده و اسناد و مدارکی که ما تنها به بخش کوتاهی از آنها اشاره کردیم، می توان گفت که همه مفسرین صحابه بدون استثنا و اکثر مفسرین طبقات بعدی از تابعین، تابعین تابعین و دانشمندان اسلامی در کتب تفسیری و حدیثی خود، اتفاق نظر دارند که آیه تطهیر درباره پنج تن محمد، علی، فاطمه، حسن، و حسین (اصحاب کساء علیهم السلام) نازل شده است و وارد شدن افراد دیگر، نیازمند دلیل های متقن است که به نظر ما وجود نداشت.

نهایتاً باید گفت که قدر جامع روایات این است که پیامبر (ص) پس از نزول آیه تطهیر، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را زیر عبا جمع کرد و آیه تطهیر را بر آنها تلاوت کرد؛ سپس دست راست از زیر عبا بیرون آورد و به سوی آسمان بلند کرد و عرض نمود: اللهم هؤلاء اهل بیتی فطهرهم تطهیراً؛ بارالها اینان اهل بیت من هستند؛ پس آنها را پاک و پاکیزه گردان!

طبق این ادله، ما معتقد هستیم که خداوند متعال طبق این آیه شریفه، اراده نمودند که از اهل بیت -که عبارت اند از رسول خدا (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) تمام پلیدی ها، نقص ها و عیب ها را دور گرداند و ایشان را به بهترین وجه پاک و طاهر نماید.

928/703/ر

صابر جعفرزاده

پی‌نوشت

- [1] . احزاب/آیه 33
- [2] . مسند احمد بن حنبل/ج 6/ص 292 - تفسیر طبری/ج 10/ص 292 الی 297 (بیش از ده روایت را با سندهای مختلف در شأن نزول این آیه نقل می کند) - احکام القرآن ، ابن العربی / ج 3 / ص 1538 (لازم به ذکر است که این "ابن عربی" غیر از ابن عربی معروف در عرفان است. این مفسر قرآن به شدت با شیعه مخالف بوده و در بسیاری از مواضع کتابش شیعه را لعن کرده است.)
- [3] . تفسیر ابن کثیر/ ج 6 / ص 370 . او معتقد است چون محبوب ترین همسر پیامبر(ص) عایشه است، پس او اولی تر به این شرافت تطهیر و... می باشد!!
- [4] . تفسیر طبری / ج 10 / ص 296
- [5] . کتاب العین/ ج 6/ص 52 - مفردات الفاظ القرآن/ص 342
- [6] . آیاتی همچون: انعام/145 و مائده/90 و حج/30
- [7] . آیاتی همچون : انعام/125 و یونس/100 و احزاب/33 و توبه/95 و اعراف/71
- [8] . نحل/40
- [9] . مسند احمد بن حنبل/ج 1/ص 331
- [10] . کتاب التفسیر/ تفسیر سورة 33 / باب 7
- [11] . مسند احمد بن حنبل/ ج 4/ ص 107
- [12] . تفسیر الطبری / ج 10/ ص 298
- [13] . تفسیر الطبری/ ج 10/ ص 297
- [14] . البحر المحیط / ج 8/ ص 479 و احکام القرآن (جصاص)/ ج 5 / ص 230
- [15] . تفسیر الطبری/ ج 10/ ص 296
- [16] . فتح قدیر/ ج 4 / ص 323
- [17] . شواهد التنزیل (حسکانی) / ج 2 / ص 18 الی 140
- [18] . الامامة و اهل البيت/ ج 1/ص 1126
- [19] . روایت های مربوط به آن در مباحث شأن نزول آیه و نیز مصداق اهل بیت روایت های سوم و چهارم نقل شده است.
- [20] . دایرةالمعارف وجدی، ج 6/ص 533 - اشراقی، شهاب الدین ،اهل بیت یا چهره‌های درخشان، ص 40